

Original Article

A Comparative Study of the Main Axes of Human Individual Education in Nahj al-Balaghah and Ethical Principles

Ali Reza Pishro¹, Jafar Taban^{2*}, Yadollah Maleki³

1. Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Takhrabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Hadith and Quranic Science, Khorramabad, Iran. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Shahid Mahallati College, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: jafartaban@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Takhrabad, Iran.

Received: 6 Feb 2020 Accepted: 16 Jun 2020

Abstract

Background and Aim: social and individual upbringing is amongst the most important subjects underlined in the various schools and religions. This issue has been specifically taken into account in Islam the primary goal of which is the guidance of the human beings towards the worldly and otherworldly felicity. Based thereon, the present study deals with the axes of the social and individual upbringing based on the ethical principles in Nahj Al-Balāqah.

Materials and Methods: the present study uses a descriptive-analytical method to review and investigate the indicators of individual and social upbringing in Nahj Al-Balāqah.

Findings: the dimensions of education and upbringing in Islam and Imam Ali (PBUH)'s way of conduct have been established based on exercising justice, good and proper way of treating others, patience and forbearance, generosity and beneficence, denial of boastfulness and miserliness, disapproval of haughtiness and fight with tyranny that are considered as foundations for the formation of an ethics-based life and eventually lead to the correction of the individual and social affairs.

Conclusion: the ethical principles have been laid in Nahj Al-Balāqah and Imam Ali (PBUH)'s way of conduct on the foundation of the human beings' clean nature and they intend to form peaceful and moral life amongst the human beings and finally organize the humans' social life based on justice, cooperation and social collaboration, denial of haughtiness and aiding the fellow man. In Nahj Al-Balāqah, upbringing is influenced by the religious verdicts and teachings as well as the behavior of the great prophet of Islam (May Allah bestow him and his sacred progeny the best of His regards) as the real role-model of the moral life.

Keywords: Individual Upbringing; Ethical Principles; Nahj Al-Balāqah; His Highness Imam Ali (PBUH)

Please cite this article as: Pishro AR, Taban J, Maleki Y. A Comparative Study of the Main Axes of Human Individual Education in Nahj al-Balaghah and Ethical Principles. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 225-237.

بررسی تطبیقی محورهای اصلی تربیت فردی انسان در نهج البلاغه و اصول اخلاقی

علیرضا پیشرو^۱، جعفر تابان^{۲*}، یداله ملکی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران.

نویسنده مسؤل (Email: jafartaban@yahoo.com)

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: تربیت فردی و اجتماعی از مهم‌ترین موضوعات مورد تأکید در مکاتب و ادیان مختلف است. این مسأله به طور مشخص در دین اسلام که هدف اساسی آن، هدایت انسان‌ها به سوی سعادت دنیوی و اخروی است، مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر به محورهای تربیت فردی و اجتماعی بر مبنای اصول اخلاقی در نهج‌البلاغه می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است که به صورت مروری به بررسی مؤلفه‌های تربیت فردی و اجتماعی در نهج‌البلاغه می‌پردازد.

یافته‌ها: ابعاد تربیت در اسلام و سیره امام علی (ع) بر مبنای عدل‌ورزی، معاشرت نیکو و احسن، صبر و شکیبایی، بخشندگی و نیک اندیشی، نفی خودستایی و خساست، نفی تکبر و خودستایی و ظلم‌ستیزی بنا شده است که در نهایت، به اصلاح امور فردی و اجتماعی منجر می‌شوند و بنیانی برای شکل‌گیری زندگی مبتنی بر اخلاق تلقی می‌گردند.

نتیجه‌گیری: اصول اخلاقی در سیره امام علی (ع) و نهج‌البلاغه، بر مبنای فطرت پاک انسانی بنا شده است که باعث شکل‌گیری زندگی صلح‌آمیز و اخلاقی میان انسان‌ها می‌شود و در نهایت زندگی اجتماعی انسان را مبتنی بر عدالت، همکاری و تعاون اجتماعی، نفی تکبر و کمک به هم‌نوعان سامان می‌بخشد. تربیت در نهج‌البلاغه متأثر از احکام و آموزه‌های دینی و رفتار رسول گرامی اسلام (ص) به عنوان الگوی واقعی زندگی اخلاقی، شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: تربیت فردی؛ اصول اخلاقی؛ نهج‌البلاغه؛ حضرت علی (ع)

مقدمه

توجه به اخلاق و علم در واقع هموارکننده «عمل» هستند و تربیت فردی و اجتماعی به عنوان مبنای زندگی انسانی مورد توجه دین اسلام و سیره رسول گرامی اسلام و ائمه معصوم (ع) است. بنابراین اصول اخلاقی در اسلام، راهنمایی برای نحوه رفتار و عمل هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند، همچون مثل چارپایی است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید» (۱). پس اگر علم‌گرایی همراه با اخلاق‌گرایی باشد، زمینه‌ساز عمل‌گرایی اخلاقی است و این‌ها توأمانی اگر با هم باشند، هموارکننده تربیت اخلاقی می‌شوند.

در روایات نیز مسأله اخلاق مورد توجه فراوان بوده است. در این زمینه، پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به راستی که من مبعوث شدم تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم [و به مردم بیاموزم]» (۲). بنابراین اگر تربیت فردی و اجتماعی نقشه راهی برای زندگی اخلاقی و بسط مکارم اخلاقی محسوب می‌شود، پس در نظر گرفتن مبنای اخلاقی در سیره معصومین از جمله کلام مولای متقیان که در نهج‌البلاغه تجلی یافته است، بهترین الگو برای زندگی انسانی خواهد بود. اگر اخلاق‌محوری در عمل مورد توجه زندگی انسانی نباشد و جامعه خود را با رهنمون‌های اخلاقی همراه نسازد، نه‌تنها در مسیر رشد حرکت نخواهد داشت، بلکه با توجه به مبنای ارزشی و دینی جامعه اسلامی، تمدن‌سازی نیز دچار انحطاط خواهد شد و رذایل اخلاقی جای فضایل اخلاقی را خواهند گرفت. در واقع نادیده‌گرفتن اخلاق‌گرایی و اخلاق‌محوری چه در سطح «فردی» و چه «نهادی» ضربه‌ای بر پیکره آرمان‌های والای انسانی است.

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی اصول تربیت اخلاقی را از منظر امام علی (ع) و نهج‌البلاغه مورد توجه قرار داده است و این سؤال را مطرح می‌کند: مهم‌ترین محورهای

تربیت فردی و اجتماعی که منبعت از نهج‌البلاغه هستند، شامل چه مواردی است و از چه منظری می‌توانند بر مبنای اصول اخلاقی تحلیل شوند؟

اصطلاحات

۱- تربیت

تربیت مصدر باب «تفعیل» و از ماده «ربو» و به معنی زیاد کردن، نمودادن، وسیله رشد را فراهم‌نمودن و پاک‌گردانیدن آمده است و بدیهی است علاوه بر رشد دادن جسم، نمو و پرورش دادن و زیاد کردن استعدادها در جهت کمال نیز مورد نظر است. برخی تربیت را معادل Education یا همان تعلیم و تربیت می‌دانند (۳) برخی نیز آن را معادل Training در نظر می‌گیرند که پذیرش هر کدام از معانی، چهره خاصی به تربیت می‌بخشد. در هر صورت تربیت به معنای گسترش و زیادت بخشیدن به استعداد و یا توانایی فرد است که می‌تواند ابعاد و مناظر جدیدی را به روی وی بگشاید.

۲- اصول اخلاقی

اصول اخلاقی که اصطلاحی برگرفته از دو واژه اصول و اخلاق است در واقع به معنای وجود قواعدی برای رفتار درست و مناسب برای انسان است (۴). بدین معنا هنگامی که برای تنظیم روابط میان انسان‌ها و نحوه زندگی صحیح از قواعد و مقررات خاصی سخن می‌گوییم، می‌توان از اصول اخلاقی سخن به میان آورد. اصول اخلاقی در این معنا هم می‌توانند بر مبنای قانون بنا نهاده شوند و هم این‌که این‌که تحت تأثیر عرف و رفتارهای فردی و جمعی پدیدار گردند.

بحث؛ اهمیت تربیت در اسلام و سیره امام علی (ع)

تربیت همواره یکی از مسائل اساسی در شکل‌دهی به رفتارهای افراد و اجتماع بوده است، حتی می‌توان گفت سقوط و ظهور تمدن‌ها از گذشته تا به امروز پیوند وثیقی با اصول تربیتی برقرار می‌نماید، ضمن این‌که دنیای معاصر با انواع چالش‌ها و کج‌روی‌های اخلاقی مواجه است و بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه به بحث تربیت اخلاقی است (۵). همین

مسئله نیز به شکل قابل توجهی در نزد آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. شهید مطهری بر این عقیده است که افراد در جامعه اسلامی نیازمند تربیت هستند و اسلام، بهترین روش‌های تربیت را به ما نشان داده است (۶).

معارف بلند قرآن کریم و حقایق پیدا و پنهان آن، همه و همه برای هدایت انسان و دستور زندگی و قانون رشد، تعالی و تکامل جنس انسانی است. بنابراین می‌توان گفت که معارف قرآن برای تربیت انسان و هدایت وی هستند که در نهایت انسان را در مرکز هدایت‌های خویش قرار می‌دهند. در قرآن کریم چیزی نیست که با انسان بیگانه باشد. نوشتن درباره انسان و قرآن، یعنی نوشتن همه معارف اصیل و بنیادین درباره آغاز و فرجام انسان و حیات پر رمز و راز وی (۷).

با توجه به اهمیت تربیت در اسلام، یکی از مهم‌ترین اهداف مبعوث‌شدن پیامبر نیز تربیت بوده است، چراکه این مهم پرداختن به ضروری‌ترین امور انسان و جامعه انسانی می‌باشد. همچنین هدف پیامبران این بوده که در مقابل تربیت فطری مانعی وجود نداشته باشد و تربیت فطری جامعه انسانی را به سوی کمال مطلق هدایت نمایند. به عبارت دیگر تربیت از منظر اسلامی دارای سیری ربوبی و جهت‌گیری الهی است و تمامی ابعاد و اقدامات تربیتی بایستی بر اساس این رویکرد مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد. این بحث، به ویژه مورد تأکید حضرت علی (ع) قرار گرفته و در اکثر خطبه‌ها یا نامه‌های نهج‌البلاغه مسائل تربیتی محور قرار گرفته است که از حیث تأثیرگذاری بر زندگی مادی و معنوی انسان‌ها شایسته توجه است.

تربیت، از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان است و در پرتو آن، انسان به سعادت مطلوب نائل می‌آید. بزرگ مربی اسلام، علی (ع) در سخنان خود، همواره از این امر مهم پرده برداشته و آثار و نتایج تربیت صحیح و ناصحیح را مورد توجه و تذکر قرار داده‌اند. طبق مطالب بیان شده با رجوع به سیره، حدیث، خطبه و نامه‌های حضرت علی (ع) می‌توان اهداف تربیت را از دیدگاه آن امام استخراج کرد. اهداف تربیتی منبث از نهج‌البلاغه بر زندگی واقعی انسان‌ها نیز اثرگذار است و از این جهت می‌تواند کاربرد گسترده‌ای در زندگی انسان داشته باشد.

در خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه به نام خطبه قاصعه، حضرت علی (ع) می‌فرماید: متعصب‌بودن انسان در زندگی نیز باید مبنای اخلاقی داشته باشد (۸). این کلام امام (ع) نشان می‌دهد که اخلاق و اصول اخلاقی، پایه و اساس تربیت انسانی تلقی می‌شود. از آنجا که تربیت اخلاقی جایگاه بسیار مهمی دارد، بررسی نظرات امام علی (ع) در مورد اولویت‌های تربیت اخلاقی، اهمیتی ویژه می‌یابد.

عوامل زمینه‌ای مؤثر در تربیت از منظر امام علی (ع) متعدد هستند، از جمله می‌توان به اهمیت وراثت در تربیت اشاره نمود. مولای متقیان علی (ع) درباره اهمیت وراثت در تربیت و شکل‌گیری اصول اخلاقی چنین بیان می‌کنند: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ؛ اخلاق نیکو دلیل بر شرافت اصل و ریشه است» (۹). علاوه بر این، امیر مؤمنان علی (ع) در سخنانی روشن و روشنگر، اهمیت وراثت را در شکل‌گیری شخصیت آدمی یادآور می‌شود. چنانکه می‌فرمایند: «مِنْ شَرَفِ الْأَعْرَاقِ كَرَمُ الْأَخْلَاقِ؛ نیکویی اخلاق و خوی‌ها از شرافت و بلندی مرتبت اصل و ریشه و وراثت آدمی است» (۵)، اما کسب اعمال نیکو و رفتار شایسته از چشم‌انداز سیره امام علی (ع) نشانگر فطرت پاک هر انسانی است که در اعمال وی نمایان می‌شود. در این رابطه حضرت علی (ع) بیان فرموده است که: «أَطْهَرُ النَّاسِ أَعْرَاقًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا؛ نیکوترین مردم از نظر اخلاق پاک‌ترین مردمانند از نظر اصل و ریشه وراثت» (۱۰). به علاوه درباره اهمیت وراثت در تربیت نیز چنین بیان شده است: «إِنَّ مُوَأَسَاةَ الرَّفَاقِ مِنْ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ؛ همانا مواسات با دوستان و یکسان‌گرفتن خود با آنان از نیکویی اصل و ریشه وراثت است.» از این روایات برمی‌آید که اخلاق نیکو و تواضع که هر دو به طور اعم و اخص برگرفته از تربیت انسان می‌باشد، رابطه مستقیم با اصل و ریشه که همان وراثت انسان است، برقرار می‌نماید.

بر این اساس، وراثت به عنوان عامل مهمی در تربیت باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین فضائل و رذائل اخلاقی پدر و مادر و اجداد در خلیقات و رفتار فرزندان تأثیر به‌سزایی دارند و باعث شکل‌گیری رفتارهای سالم و یا ناسالم انسان در اجتماع می‌شوند. مهم‌تر این‌که، زمینه‌های تربیت انسان در

بیان گردیده که اهمیت و اولویت آن را به اثبات می‌رساند. استدلال این است که خودستایی و تکبر، انسان را تشویق به انجام گناهان دیگر می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْحِرْصُ وَالْكِبْرُ وَالْحَسَدُ، دَوَاعِ التَّقْصُمِ فِي الذُّنُوبِ؛ حرص، کبر و حسد، انسان را به فروافتادن در گناهان برمی‌انگیزانند» (۱۳). به علاوه این که در سیره امام علی (ع)، خودستایی و تکبر، دامی بزرگ از سوی شیطان برای گمراه کردن انسان دانسته می‌شود. امام علی (ع) از خودستایی با عنوان دامی بزرگ از سوی ابلیس و همچنین زهری کشنده نام برده است: «فَاللَّهُ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبَغْيِ وَ آجَلِ وَ خَامَةِ الظُّلْمِ وَ شَوْءِ عَاقِبَةِ الْكِبْرِ، فَإِنَّهَا مَصِيدَةٌ إِبْلِيسَ الْعَظْمَى وَ مَكِيدَتُهُ الْكُبْرَى، الَّتِي تُسَاوِرُ قُلُوبَ الرِّجَالِ مُسَاوَرَةَ السُّمُومِ الْقَاتِلَةِ، فَمَا تُكْدِي أَبْدَا وَ لَا تُشْوِي أَحْدَا، لَا عَالِمَا لِعِلْمِهِ وَ لَا مُقْلًا فِي طَمْرِهِ؛ خدا را خدا را؛ از عاقبت بد زورگویی و ستم در این دنیا و آن دنیا و از پایان ناگوار تکبر که بزرگ‌ترین دام و سترگ‌ترین نیرنگ شیطان است و همچون زهرهای کشنده در دل‌های مردان فرو می‌روند. هرگز چیزی مانع نفوذ آن‌ها نمی‌گردد و هیچ کس از آن‌ها در امان نیست، نه عالم به واسطه علمش و نه تهی‌دست به واسطه جامه فرسوده‌اش» (۱۳).

۱-۲- نفی تنگ‌چشمی و خست: تنگ‌چشمی و خست

نیز بارها توسط امام علی (ع) مورد مذمت واقع شده است. این اصطلاح به همراه مشتقات آن حدود ۲۵ بار در نهج‌البلاغه مورد استفاده قرار گرفته است (۱۴). تعابیر مختلف در نظر گرفته شده برای این واژه نیز زشتی آن را نمایان می‌کند. در وهله اول، بخل و خست، به عنوان سرچشمه بدی‌ها مطرح شده است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَ هُوَ زَمَامٌ يُقَادُّ بِهِ إِلَى كُلِّ شَوْءٍ؛ بخل سرچشمه همه زشتکاری‌ها است و مهاری است که انسان را به سوی همه بدی‌ها می‌کشاند» (۸).

یکی دیگر از آثار منفی خست این است که پیش‌نیاز ایجاد عار و پستی در انسان است. از نگاه امام علی (ع) بخل‌ورزیدن عاملی برای خواری و پستی است. در این رابطه، امام اول شیعیان چنین فرموده است: «الْبُخْلُ عَارٌّ...؛ بخل مایه ننگ و پستی است» (۸، ۱۰). زشتی بخل به این خاطر بیشتر نمایان

خانواده نیز شکل می‌گیرد و خانواده‌ها نقش مؤثری در چگونگی رفتارهای انسانی ایفا می‌کنند. همچنان که امام علی (ع)، سیره و رفتار رسول گرامی اسلام (ص) را مصداق بارز تربیت فرزندان معرفی می‌کند و در این باره می‌فرماید: «حَتَّى أَفْضَتْ كَرَامَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى إِلَيَّ مُحَمَّدٍ (ص) فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَادِنِ مِنْبَأً وَ أَعَزَّ الْأَرْوَامَاتِ مَغْرَساً مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَ مِنْهَا أَنْبِيَاءُهُ وَ انْتَجَبَ مِنْهَا أَمَنَاءُهُ. عِزَّتُهُ خَيْرُ الْعِزِّ وَ أُسْرَتُهُ خَيْرُ الْأُسْرِ وَ شَجَرَتُهُ خَيْرُ الشَّجَرِ؛ تا آنکه تشرف بزرگواری از سوی خدای باری تعالی به حضرت محمد (ص) رسید و او را از بهترین خاندان و گرامی‌ترین دودمان برکشید. از درختی که پیامبران خود را از آن جداکرد و امینان خویش را برگزید و بیرون آورد. فرزندان او بهترین فرزندان و خاندانش نیکوترین خاندان و دودمان او بهترین دودمان» (۱۱).

همچنین پیوندهای عاطفی خانوادگی و مناسبات انسانی در خانه زمینه‌ساز رشد و تعالی فرد است و به گفته خود حضرت امیر (ع) هیچ کس از خانواده بی‌نیاز نیست. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «ایها الناس انه لا يستغنى الرجل و ان كان ذا مال عن عترته، و دفاعهم عنه بأيديهم و ألسنتهم و هم أعظم الناس حيطه من ورائه و المهم لشعته و أعطفهم عليه عند نازله إذا نزلت به؛ ای مردم: انسان اگرچه مالدار باشد، از کسان خویش بی‌نیاز نیست تا با دست و زبان از او دفاع کنند، چه کسان از همه بدو نزدیک‌ترند و جانب او را بهتر فراهم آورند و به هنگام رسیدن بلا از دیگران مهربان‌ترند» (۱۱).

یافته‌ها

اصول تربیت فردی و جمعی در نهج‌البلاغه بر مبنای ابعاد سلبی و ایجابی می‌تواند مشتمل بر موارد ذیل باشد.

۱- تربیت سلبی

۱-۱- نفی خودستایی و تکبر: خودستایی و تکبر به حالتی گفته می‌شود که انسان خود را بالاتر و برتر از دیگران بداند (۱۲). با توجه به میزان تکرار و تأکید بر این صفت زشت در نهج‌البلاغه، می‌توان ادعا کرد که این رذیله اخلاقی پس از دنیاپرستی از نظر امام علی (ع) بدترین رذیله اخلاقی بوده است. علاوه بر این در نهج‌البلاغه آثار سوئی برای این رذیله

می‌شود که این خصیصه علاوه بر آثار فردی دارای آثار اجتماعی منفی نیز می‌باشد و مهم‌ترین اثر منفی آن، ممانعت از کمک به دیگران در اجتماع است که در نهایت کینه و دشمنی را میان مردم گسترش می‌دهد.

۳-۱- نفی تجمل‌گرایی: «اسراف» به معنای افراط و تجاوز از حد اعتدال است. این پدیده که از گناهان بزرگ و معاصی کبیره می‌باشد، از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی، مورد نکوهش شدید قرار گرفته است. در آیه ۱۴۱ از سوره انعام چنین می‌خوانیم: «كلوا من ثمره إذا أثمر وآتوا حقه يوم حصاده ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين؛ از میوه‌های درختان به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، بپردازید و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.» در آیه ۳۱ از سوره اعراف نیز، چنین آمده است: «يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد وکلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين؛ ای فرزندان آدم! زیور و زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (۱). امیر مؤمنان علی (ع) در این زمینه چنین می‌فرماید: «وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يَكْرَهُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ؛ آگاه باشید! صرف‌کردن مال در غیر مورد استحقاق، تبذیر و اسراف است. این عمل صاحب خود را در دنیا بالا می‌برد، اما در آخرت پست و حقیر می‌سازد و در نظر توده مردم سبب اکرام می‌گردد، اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام وی خواهد شد» (۸).

آنچه در نهج‌البلاغه به عنوان اصلی اخلاقی و در راستای تربیت فردی در نظر گرفته شد، بعدها توسط ائمه معصوم (ع) نیز به عنوان اصلی اخلاقی پذیرفته و تبلیغ شده است، از جمله این‌که امام کاظم (ع)، در زمینه آثار شوم اسراف، چنین می‌فرماید: «مَنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ التَّعَمُّةُ؛ کسی که تبذیر و اسراف کند، نعمت از او گرفته می‌شود» (۲). در مقابل صفت اسراف و تبذیر، صفت قناعت و صرفه‌جویی قرار دارد. همچنانکه اسراف و تجمل‌گرایی ضد اخلاق است؛ تمایل به اعتدال و میانه‌روی، اصلی اخلاقی به شمار می‌رود.

در راستای الگو قراردادن مقابله با تجمل‌گرایی و ترویج صرفه‌جویی و قناعت، حضرت علی (ع) در نامه‌های متعددی به حاکمان منصوب حکومتی، آن‌ها را به ساده‌زیستی، پرهیز از تجمل‌گرایی و رعایت زهد و تقوا دعوت می‌نمود. به عنوان مثال، شریح ابن الحارث، قاضی کوفه را از خریدن خانه گران قیمت (از راه‌های غیر حلال) منع می‌کند (۸). آن حضرت، عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره را از رفتن به میهمانی‌های تجملی که توسط ثروتمندان انجام شده بود، منع می‌فرماید و زندگی ساده خویش را به عنوان الگوی ساده زیستی، به مردم بیان می‌کند (۸). بدیهی است که ساده زیستی مسؤولان حکومتی و مردم می‌تواند در قانع‌بودن آن‌ها به امور مادی و پرهیز از تجمل‌گرایی مؤثر باشد و حتی از عوامل مهم بازدارنده آن‌ها در مساق به مفساد اقتصادی باشد.

۴-۱- ظلم‌ستیزی و مبارزه با ظلم: مبارزه با ستمگران و حمایت از مظلومان، یکی از آرمان‌های بزرگ بشر و یکی از مهم‌ترین وظایف همه مسلمانان، به شمار می‌رود. قرآن مجید در سوره مبارکه حج، آیات ۳۹ تا ۴۱، چنین می‌فرماید: «به مؤمنان به موجب آنکه مظلوم واقع شده‌اند، اجازه داده شد که با ستمگران بجنگند. خداوند بر یاری مؤمنان تواناست، همانها که از خانه‌های خود به ناحق بیرون رانده شده‌اند و جرمی نداشته‌اند، جز آنکه گفته‌اند: پروردگار ما خداست و اگر نبود که خداوند شر بعضی از مردم را وسیله بعضی دیگر دفع نماید، صومعه‌ها، دیرها و مساجد که در آنجا فراوان یاد خدا می‌شود، منهدم می‌گردید. خداوند کسانی که او را یاد می‌کنند، یاری می‌کند، همانا خداوند نیرومند و عزیز است. آنان را که اگر در زمین مستقر سازیم، نماز را به پا می‌دارند، زکات را می‌پردازند، به خوبی‌ها فرمان می‌دهند و از بدی‌ها باز می‌دارند و فرجام کارها از آن خدوند است» (۱). پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز، چنین می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَيَّ يَدِيهِ أَوْشَكَ أَنْ يُعَمَّهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ؛ اگر مردم، ستمگر را دیدند و دست او را نگرفتند (جلو او را نگرفتند)، می‌توان انتظار داشت که خدا همه را به عذاب خود مبتلا کند» (۱۵). اهمیت مسأله ظلم‌ستیزی و آثار آن در جامعه اسلامی باعث شده تا یکی از اصول اخلاقی برای تربیت فردی در نظر گرفته شود، چه این‌که

افراد ظلم ستیز هموارکننده مسیر عدالت برای خود و جامعه خود می‌باشند.

امام علی (ع) در آخرین وصیت خود به فرزندانش، چنین می‌فرماید: «و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید. همچنین رییس مذهب شیعه، امام صادق (ع) چنین می‌فرماید: «ستمکار و یاور او و آنکه به ستم او راضی باشد، هرسه در ستم شریکند» (۱۶). بنابراین ظلم در تمام ابعاد، از جمله در زمینه امور اقتصادی و اجتماعی، از دیدگاه اسلام قابل پذیرش نیست و برای نهادینه‌سازی این اصل به عنوان یک اصل اخلاقی باید تربیت افراد جامعه بر مبنای عدالت‌طلبی و مقابله با ستم صورت گیرد.

۲- تربیت ایجابی

۲-۱- عدل‌ورزی و تربیت بر مبنای عدالت: امام علی

(ع) چه در گفتار و چه در کردار مظهر عدل و عدالت‌خواهی در اسلام است و عدالت را به مثابه یک اصل اخلاقی در اسلام نمایان ساخته است. از دیدگاه امام علی (ع) عدالت اجتماعی یک اصل همگرا و مشروع حکومتی است که همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و سازمانی را دربر دارد. ایشان در نهج‌البلاغه به اهمیت وجود حاکمان و حکمرانان عادل و متقی تأکید می‌کنند. آن حضرت می‌فرماید: «رعیت اصلاح نمی‌شود، جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند، جز با درستکاری رعیت» (۸). اصلاح زمامداران به مثابه روشی برای پیاده‌شدن اخلاق به نوبه خود زمینه‌ساز عدالت در جامعه می‌شود، ضمن این‌که اصلاح آنان از طریق نظارت بر اعمال و رفتار صاحب‌منصبان در جامعه تمشیت می‌پذیرد. مکانیسم این نظارت هم از بالا به پایین و هم از پایین به بالا است. امام علی (ع) به عنوان یک حاکم اسلامی، بر رفتار و عملکرد صاحب منصبان حکومتی زبردست، نظارت داشته است و به طرق مختلف کارگزاران جامعه اسلامی را نسبت به رعایت عدالت ارشاد می‌کردند. آن حضرت در نامه‌ای به محمد ابن ابوبکر، فرماندار مصر می‌فرماید: «با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم نگاه و خیره‌شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در

ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مایوس نگردند» (۸).

بدین ترتیب عدالت و عدل‌ورزی یکی از اصول اخلاقی ثابت در سیره حضرت علی (ع) است که در نهج‌البلاغه بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. اهمیت این اصل تا جایی است که امام علی (ع) نیز در سخنی زیبا چنین می‌فرماید: «و الله لأن أبيت على حسنك السعدان مسهداً أو أجز في الأغلال مصفداً أحب إلي من أن ألقى الله و رسوله يوم القيامة ظالماً لبعض العباد؛ به خدا سوگند، اگر شب را بر روی خارهای سعدان بگذرانم، یا در حالی که در غل و زنجیرها هستم بر روی زمین کشیده شوم، برای من خوش‌تر از آن است که روز رستاخیز در حالی که به یکی از بندگان ستم کرده باشم، با خدا و رسول او دیدار کنم» (۸).

امیر مؤمنان علی (ع) نه تنها در سخن، بلکه در عمل نیز اهمیت عدالت را از دیدگاه اسلام به منصفه ظهور رساند، زیرا ایشان به خوبی آگاه بودند که عدالت اجتماعی به عنوان زیربنای سلامت جامعه اسلامی قلمداد می‌شود و بدون آن نمی‌توان سایر اصول اخلاقی را به آحاد جامعه منتقل نمود. همچنین بدون دستیابی به این موهبت الهی، برپاکردن حکومت واقعی اسلامی، امکان‌پذیر نیست، چه این‌که در عدالت گشایشی برای عموم مردم است و آن کس که عدالت به او گران آید، ستم برای او سخت‌تر است. بنابراین عدالت و عدل‌ورزی یکی از محوری‌ترین و مهم‌ترین اصول اخلاقی در تربیت افراد جامعه محسوب می‌شود.

مسئولیت‌پذیری نیز به همراه اصل اخلاقی عدالت یکی دیگر از اصول مهم در نهج‌البلاغه به شمار می‌رود. بر همین اساس، نگاه حضرت علی (ع) مبتنی بر اصل برابری انسان‌هاست نه نگاه طبیعت‌گرایانه و محافظه‌کارانه و منطبق با وضع موجود است و نه نگاهی مساوات‌طلبانه نسبت به عدالت به رقم پذیرش خلقت برابر انسان‌هاست. ایشان در نهج‌البلاغه فرموده‌اند: «و میان کلان و نازک اندام، گران و سبک، نیرومند و ناتوان، در آفرینش جز همانندی نیست.» از سوی دیگر حضرت از نگاه مساوات‌طلبانه نیز فاصله می‌گیرند و به اعطای حق افراد متناسب با رنج و تلاش عنایتی ویژه دارند: «رنج و تلاش هر

کسی را عادلانه اجر بنه و به دیگری نسبت مده» (۸). به همین ترتیب مباحث حقوق فردی و اجتماعی، انصاف، عدالت، مساوات و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز از موضوعاتی است که در نهج‌البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. آن حضرت در خطبه ۲۶ نهج‌البلاغه در مورد حقوق فردی و اجتماعی مردم سخنان گرانقدری بیان می‌کنند و در آن به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم می‌پردازند، یعنی چنین نیست که بعضی تنها بر عهده دیگران حقوقی داشته باشند، بدون این‌که خود تعهدی داشته باشند (۱۷). بنابراین بهره‌مندی از عدالت و ایجاد مساوات در جامعه به معنای رهاشدن مردم از مسؤولیت‌ها و تکالیفشان نیست، بلکه آنچه مهم است مسؤولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال تکالیفی است که برای پیشرفت و آبادانی جامعه خود به انجام می‌رسانند.

۲-۲- معاشرت نیکو و احسن: یکی از راه‌های اساسی

برای تربیت مؤثر و پسندیده در جامعه، معاشرت با افرادی است که به نحو قابل توجهی بر زندگی انسان‌ها اثر می‌گذارند، لذا می‌توان معاشرت نیکو را یکی از اصول اخلاقی در تربیت فردی تلقی نمود. محیط رفاقت و معاشرت در چارچوب تربیت دینی از نگاه حضرت علی (ع) اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مورد آن حضرت به حارث همدانی اظهار داشته است: «إِحْدَرُ صَحَابَةَ مَنْ يُبِيلُ رَأْيَهُ وَ يُنَكِّرُ عَمَلَهُ فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ... وَ إِيَاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْفُسَّاقِ؛ فَإِنَّ الشَّرَّ بِالشَّرِّ مُلْحَقٌ؛ از همنشینی با آنکه رأیش سست و کارش ناپسند بود، بهره‌یز که هر کسی را از آنکه دوست اوست شناسند... و از همنشینی با فاسقان بهره‌یز که شر به شر می‌پیوندد» (۱۳).

رفاقت و همنشینی در روح و روان و اخلاق و همچنین رفتار آدمی تأثیری انکارناپذیر دارد. این تأثیر می‌تواند مثبت یا منفی باشد. امام علی (ع) در این‌باره بیان می‌دارد: «صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ تَكْسِبُ الْخَيْرَ كَالرَّيْحِ إِذَا مَرَّتْ بِالطَّيْبِ حَمَلَتْ طَيْبًا وَ صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تَكْسِبُ الشَّرَّ كَالرَّيْحِ إِذَا مَرَّتْ بِالنَّارِ حَمَلَتْ نَيْتًا؛ همنشینی با نیکان، نیکی فراهم می‌آورد، همانطور که هرگاه باد بر بوی خوش گذر کند، آن بوی خوش را به همراه آورد و همنشینی با بدان بدی به همراه آورد، همانطور که هرگاه باد بر بوی ناخوشی گذر کند، آن بوی ناخوش را همراه سازد» (۸). به

همین دلیل با توجه به تأثیرات مستقیم و غیر مستقیمی که افراد نزدیک و همنشین بر زندگی افراد می‌گذارند، انتخاب کسانی که بر مبنای خردورزی و تعقل زندگی خود را به پیش می‌برند، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود رفتارهای فردی و حتی جمعی داشته باشد. در همین راستا، امیر المؤمنین علی (ع) بر همنشین‌شدن با خردورزان و نیکان تأکید داشته و در این‌باره می‌فرماید: «أَكْثَرُ الصَّلَاحِ وَ الصَّوَابِ فِي صُحْبَةِ أَوْلِي النَّهْيِ وَ الْأَبَابِ؛ بیشتر صلاح و دوستی در همنشینی با خردورزان و عاقلان است» (۸) و نیز می‌فرماید: «تَمَرَةُ الْعَقْلِ صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ؛ همنشینی با نیکان به مثابه میوه عقل و خرد می‌باشد» (۸). بدین ترتیب اگر انسان خردمند باشد، از همنشینی و اتلاف وقت با پیروان هوای نفس، پرهیز می‌کند و دقت کافی را در انتخاب دوست و رفیق به عمل می‌آورد. در این‌باره، امام علی (ع) بیان می‌دارند: «إِعْلَمُوا... مُجَالَسَةَ أَهْلِ الْهَوَى مُنْسَأَةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ؛ بدانید که همنشین کردن پیروان هوا فراموش کردن ایمان و جای حاضر شدن شیطان است» (۱۳). به علاوه این‌که حضرت علی (ع)، تأکید زیادی بر نحوه انتخاب رفیق و دوست داشته است. ایشان در حکمتی نورانی فرموده است: «لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ فَإِنَّهُ يَزِينُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ...؛ همنشین بی‌خرد مباش که او کار خود را برای تو آراید و دوست دارد تو را چون خود نماید» (۸).

فطرت انسانی با توجه به کمال‌جوی بودن آن، در صورتی که مصداق کمال را اشتباه بیابد، دچار گمراهی می‌شود. ابن ابی‌الحدید در این زمینه حکمتی را از امیر المؤمنین علی (ع) نقل کرده است: «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛ با انسان‌های شرور همنشینی مکن، زیرا طبع تو بدی‌ها را از آنان می‌دزدد، در حالی که بدان آگاه نیستی» (۱۸). این تأثیرات و اثرپذیری‌ها است که باعث شده است که امام (ع) تا این اندازه نسبت به همنشینی با نابخردان و تبهکاران هشدار دهند: «مَنْ دَنَّتْ هِمَّتُهُ فَلَا تَصْحَبُهُ؛ با انسان دون همت همنشینی مکن، زیرا خوی همنشین در همنشین تأثیر می‌کند» (۷). بنابراین درباره اهمیت اصل معاشرت با افراد نیکو باید گفت که همنشینی با احمق، شریر، دون همت

- پیش‌نیاز و کلید راه پیروزی: «لَا يَعْدُمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ؛ شکیبا پیروزی را از دست نمی‌دهد، هرچند رسیدن به پیروزی طولانی باشد» (۱۳).

- اجر تلاش در جهت عادت‌دادن نفس به صبر: حضرت علی (ع) در وصیت به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) فرموده است: «عَوَّدَ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ؛ پسر من خود را به شکیبایی در آنچه سخت و ناگوار است عادت ده، زیرا پسندیده است در راه حق شکیبایی پیشه کردن» (۱۳).

۲-۴- **بخشنده‌گی و نیک‌اندیشی:** یکی دیگر از اصول مهم تربیت فردی در آموزه‌های اسلامی و سیره امام علی (ع)، بخشنده‌گی و رفتار نیکوست. انسان تربیت‌یافته در فرهنگ اجتماعی اسلام در پیروی از سیره عملی پیشوایان بزرگوار اسلام، آموزش و بخشایش را بر عقوبت انتقام برتری می‌دهند. «انسان پرهیزگار، ستمکار خود را عفو می‌کند به آنکه محروم‌ش کرده می‌بخشد، به آن کس که با او بریده می‌پیوندد» (۱۳). بررسی منابع دینی نشان می‌دهد که بخشش و آموزش یکی از اساسی‌ترین اصول تربیت اجتماعی است. در زندگی روزمره نمی‌توان انتظار داشت هیچ خطایی از کسی سر نزند و احتمال خطا کردن برای هر کسی وجود دارد، اما آموزش و بخشش می‌تواند پیوند بین مؤمنان را قوی‌تر نماید و جامعه‌ای سرشار از صلح را شکل دهد. با این حال، بخشنده‌گی و نیک‌اندیشی و رفتار نیکو دارای ابعاد مختلفی است که از جمله می‌توان به پرهیز از عناد و نفرت اشاره نمود.

در وصف این اصل تربیتی باید گفت که انسان نباید کینه توزی و بی‌مهری نسبت به هم‌نوع خود داشته باشد، چراکه قلب مؤمن جایگاه محبت و دوستی اهل بیت (ع) است، نه محل بغض و کینه. به همین سبب کینه‌توزی و دشمنی با مردم از جمله امور مذموم و ناپسندی است که امام علی (ع) نسبت به آن حساس بوده و در مورد آن، هشدار داده است: «با یکدیگر عناد و نفرت نداشته باشید که نابودکننده هر چیزی است» (۸). به همین سبب است که آن حضرت از مالک اشتر می‌خواهد که ریشه هر کینه‌ای را در دل مردم بخشکاند و دشمنی‌ها را به دوستی مبدل نماید.

و به طور کلی هر کسی که دارای رذایل اخلاقی باشد، نهی گردیده است و این مهم به جهت تأثیرپذیری شدید افراد از همنشینان خود می‌باشد.

۳-۲- **صبر و شکیبایی:** صبر و بردباری یکی از اصول اخلاقی در دین اسلام به شمار می‌رود. از دیدگاه امام علی (ع) صبر اولین پایه ایمان است. اهمیت این اصل آنجا نمودار می‌شود که با توجه به جایگاه مؤثری که در تربیت افراد جامعه دارد، می‌تواند جامعه را از برخی رفتارهای مبتنی بر تعصب و جاهلیت دور نماید، همچنانکه در کلام امیر مؤمنان (ع) چنین بیان شده است: «... الْإِيْمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ...؛ استواری ایمان بر چهار پایه است: ۱- شکیبایی؛ ۲- یقین؛ ۳- عدالت؛ ۴- جهاد (۸). حضرت علی (ع) در بسیاری موارد به صبر و آثار آن اشاره داشته و به این سبب دیگران را به صبر فراخوانده است. بر همین اساس، مقدمه موفقیت انسان در همه جنبه‌های مادی، معنوی و اخلاقی و اصلی برجسته در کسب فضایل اخلاقی، صبر است. در این معنا، «صبر به معنای حفظ نفس از اضطراب و جزع و سکون و آرامش‌یافتن آن است» (۹). از جمله مزایای صبر و تربیت افراد جامعه بر مبنای آن، جلوگیری از قضاوت زود هنگام اعمال مردم و همچنین بردباری در برابر ناملایمتی‌های زندگی و باز نایستادن از تلاش و کوشش است. بر همین اساس، اصل صبر و شکیبایی در حوزه‌های، معصیت (حکمت ۵۵) و طاعت (خطبه ۱۸۸) و «بلا و مصیبت» بیان می‌شود. شایان ذکر است که واژه صبر و ترکیبات آن در حدود ۷۵ بار در نهج‌البلاغه مطرح شده است.

در ذیل برخی از آثار صبر از نگاه نهج‌البلاغه بیان می‌گردد:
- آسایش و امنیت بلندمدت: «... صَبْرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً. أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً...؛ پرهیزگاران که ایام کوتاهی صبر پیشه کنند، پس از آن، به راحتی درازمدت می‌رسند» (۸).

- از بین‌برنده ناراحتی و غم: «(یا بنی) اطْرَحْ عَنكَ وَاِرِدَاتِ الْهَمُومِ (الأمور)، بَعْرَائِمِ الصَّبْرِ وَ حُسْنِ الْيَقِينِ؛ (پسر من) هر وقت اندوهگین شدی، آن را با نیروی شکیبایی و حسن یقین از دل پاک کن» (۱۳).

به نهج‌البلاغه، این‌که انسان‌ها زندگی اجتماعی را برمی‌گزینند از روی جبر نیست، بلکه به خاطر درک و شعور آن‌هاست، چه این‌که امام (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي، وَاللَّهِ، مَا أَحْكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَأَتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛ ای مردم به خدا سوگند من شما را به طاعتی وادار می‌کنم که خودم انجام داده و از معصیت‌هایی بر حذر می‌دارم که خودم آن‌ها را ترک گفته‌ام» (۸). در نهایت می‌توان گفت که جامعه سالم بر مبنای اصول اخلاق فردی و اجتماعی و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی به پیش می‌رود که می‌تواند شامل ابعاد جدول ۱ باشد.

نتیجه‌گیری

سؤال پژوهش حاضر این بود که محورهای تربیت فردی و اجتماعی بر مبنای اصول اخلاقی در نهج‌البلاغه شامل چه مواردی است؟ مطالعه و بررسی در این زمینه نشان داد که اصول اخلاقی در نهج‌البلاغه ناظر بر هدایت انسانی و کمال وی هستند. محورهای تربیت در نهج‌البلاغه بر مبنای فطرت پاک انسانی و شکوفاشدن استعدادهای خدادادی بشری بنا شده است. با توجه به این‌که رذایل اخلاقی همانند تبذیر و اسراف، خودستایی و تکبر، حسادت و افراط به عنوان عوامل مخل استقرار اصول متعالی اخلاقی شناخته می‌شوند، به عنوان بخش مهمی از مبنای سلبی اخلاق در نهج‌البلاغه، متذکر گردیده‌اند. از سوی دیگر، در بُعد مقابل، معاشرت نیکو و احسن، بخشندگی و نیک‌اندیشی، صبر و شکیبایی و عدالت ورزی به عنوان وجوه ایجابی اخلاق در نهج‌البلاغه قابل ذکر می‌باشند. بنابراین جلوه‌های اخلاق در نهج‌البلاغه بر مبنای تربیت صحیح و اصولی انسانی بنا نهاده شده است.

با توجه به اهمیت تربیت و اصول اخلاقی در نهج‌البلاغه باید گفت که به معنای وسیع‌تر، تربیت، شامل پرورش روح و جسم، فرد و جامعه در ابعاد مختلف است. یکی از ابعاد مهم تربیت که پیامدهای شگرف و چشم‌گیری در سایر زمینه‌ها دارد، بُعد اجتماعی آن است. در جامعه، افراد باید متناسب با نیازها و روندهای خود، با افراد و گروه‌های مختلفی دیگر ارتباط برقرار نمایند. این بدان معناست که افراد و گروه‌هایی

انسان مؤمن همیشه بزرگی و بزرگواری خدای خود را در ذهن دارد. در تربیت اجتماعی، فرد علاوه بر خودمداری، بایستی با رویکرد اجتماع‌مداری نیز زندگی را تجربه کرده و امور را همچنان که از دریچه مدار مصالح فردی می‌بیند از دریچه دیدگاه دیگران نیز بنگرد. با فراهم‌آمدن این داد و ستد است که تربیت اجتماعی بخشی از ثمرات خود را نمایان می‌کند و استواری حیات اجتماعی را موجب می‌شود (۷). امام علی (ع) خطاب به مالک می‌فرماید: «از باج‌گیری بپرهیز و از این‌که چیزی را که همه مردم نسبت به آن برابر هستند به خود اختصاص دهی، بپرهیز کن» (۱۳).

فرد مؤمن و پاک در برابر هم‌نوع خود حسن نیت دارد و در ذهن و نیت خویش جز نیکویی و زیبایی درباره دیگران فکر نمی‌کند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «سزاوار نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، خیال بد کنی، زیرا برای آن می‌توان به نیکویی اندیشید» (۱۳). مسلماً سوءنیت نسبت به دیگران نتیجه‌ای جز از بین رفتن محبت، بی‌اعتمادی و در نهایت اختلاف میان مؤمنان را دربر ندارد. بنابراین یکی از ثمرات تربیت مبتنی بر بخشندگی، زندگی جمعی و افزایش تعاون و همکاری اجتماعی میان افراد جامعه است.

اجتماع مطلوب؛ ثمره تربیت اخلاقی فردی و اجتماعی

اخلاق، امری درونی است و از درون انسان نشأت می‌گیرد، ولی اثر آن به صورت معاشرت، برخورد مناسب، رعایت ادب و احترام به حقوق دیگران، مشارکت اجتماعی و نظارت اجتماعی بروز می‌کند و به ایفای نقش اجتماعی منجر می‌شود. در بینش امام علی (ع) تربیت اجتماعی ماهیتاً دارای درون‌مایه و هویت درونی است که از تربیت فردی مناسب و متعال شکل می‌گیرد. حضرت علی (ع) در نامه‌ای به فرماندار مصر مالک اشتر می‌فرماید: «وَأَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لِهَمِّهِ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ؛ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش» (۸). مقصود امام علی (ع) این است که الفت و مهربانی از انگیزه و مایه‌ای درونی نشأت گرفته است. حضرت علی (ع) در جایی دیگر می‌فرماید: «غریب کسی است که او را دوستی نباشد» (۹). بدین ترتیب با توجه

که در همان جامعه زندگی می‌کنند، نسبت به یکدیگر حق دارند و متقابلاً مسؤولیت‌ها و وظایفی در رابطه با یکدیگر به عهده دارند. در شکل اجتماعی، تربیت، فرایندی است که هدف آن تسهیل در انجام وظایف اجتماعی در مواجهه با افراد دیگر و موقعیت‌های ویژه اجتماعی است، ضمن این‌که منظور و غایت اساسی تربیت در اسلام، پرورش عبد صالح برای قرب الهی است و طبعاً هدف غایی تربیت فردی و اجتماعی هم همان مقصد نهایی تربیت اسلامی یعنی قرب الهی و رسیدن به کمال است.

مسئولین و مربیان تربیتی دستگاه‌های آموزشی و متولیان تربیت اخلاقی جامعه می‌بایست با الگو قراردادن محورهای تربیتی امام علی (ع) به عنوان برترین مبنای هدایت بشر، نقش کلیدی خود را در تربیت افشار مختلف جامعه به نحو احسن ایفا نمایند. علاوه بر این، دستگاه آموزش و پرورش که متولی شکوفایی و توسعه تعلیم و تربیت در جامعه است، برای عملیاتی‌شدن این عوامل و رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی، باید در سطوح برنامه‌ریزان حوزه ستادی، سازمان کتاب‌های درسی و افرادی که در تدوین کتاب‌های درسی ایفای نقش دارند، بر مبنای توجه به اصول اخلاقی منبعث از نهج‌البلاغه سازماندهی و جهت‌دهی شود.

جدول ۱: ویژگی‌های افراد رشدیافته در عرصه تربیت فردی و اجتماعی

ابعاد مختلف تربیت‌یافتگی		
ابعاد بینشی و معرفتی	ابعاد کنشی و هنجاری	ابعاد نفسانی و احساسی
کرم و احسان در حق دیگران	سازگاری و حسن سلوک با مردم	دوست‌داری و عشق‌ورزی
آمزش و بخشایش	وابستگی و پیوستگی با قوم و خویش و آشنایان	همدلی و همدردی با دیگران
پرهیز از خودمداری	پاس‌داشتن حق و حقوق دیگران	ترک بدخواهی و حسدورزیدن
نیک‌اندیشی	نرم‌خویی و مهربانی زبانی	پرهیز از عناد و نفرت

References

1. The Holy Quran. Jomeeh: 5; Aaraf: 131; Haj: 39-41; Anaam: 141.
2. Majlesi M. Bahar al-Anwar. Tehran: Islamic Darab Book Publishing; 1987.
3. Shariatmadari A. Principles and philosophy of Education. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2006.
4. Mabry L. Circumstantial Ethics. *American Journal of Evaluation* 1999; 20(2): 199-212.
5. Salahshouri A. The Developmental Stages of Moral Education from Imam Ali's Viewpoint. *Journal of Nahjbalagheh* 2013; 1(3): 15-32.
6. Motahari M. Education in Islam: Tehran: Publisher Sadra; 2003.
7. Khan Sanamy SH. Memoirs of Amir al-Momenin (AS). Qom: Boostan Ketab Publication; 2013.
8. Imam Ali. Nahj al-Balagha. Corrected by Shahidi J. Qom: Publisher Mashhoor; 2000. Wisdom.73 Letter.69 Sermon.86 Sermon.193; Letter.31 Wisdom.153.
9. Khansari J. Commentary on Ghorar al-Hekam. Tehran: University of Tehran Publications; 1980.
10. Tamimi Amedi AT. Ghorar al-Hekam and Dorrar al-Kalem. Qom: Dar ol-Hadis Publications; 1987.
11. Dashti M, Mohammadi K. Al-Mojam al-Mofahras. Tehran: Publisher Imam Ali (A) Publishing; 1989.
12. Tarihi F. Majma al-Bahrain. Tehran: Mortazavi Publications; 1989.
13. Rafipour F. Introduction to Applied Sociology. Tehran: Publisher Kaveh; 1998. p.89.
14. Hemmat Banari A. Investigating the educational implications of the verses of education and purification. *Journal Islamic Education (Especially Ethical Education)* 2018; 10(1): 5-22.
15. Payandeh A. Nahjolfesahe. Tehran: Publisher Javidan; 1970.
16. Koleini MY. Al-Kafi. Tehran: Publisher Dar al-Ketab Islamieh; 1993.
17. Mohajeri A. Specific Crimes of government employees. Tehran: Publisher Keyhan; 2000.
18. Ibn Abi Hadid. A. Explanation of Nahj al-Balaghah. Qom: Publisher Maktab Maraashi Najafi; 1990.